

"متن زیر گزارشیست از سخنرانی که در سمینار حقوق بشری که در ماه می در کانادا برگزار شد ارائه شد."

مروری انتقادی به برخورد سازمانهای معتبر حقوق بشر به نقض حقوق بشر در ایران

سخنران: محمد پروین از گروه تلاش برای نهادینه شدن حقوق بشر در ایران (مهر ایران)

بحثی که ارائه شد، تلاشی بود در طرح سه نکته اساسی:

اول آنکه برخورد سازمانهای نظیر سازمان عفو بین الملل را به مسائل ایران با ذکر مثالهایی ملموس نشان داده و نارسائیها و کوتاهیهای آنها مورد بحث قرار دهد و دیگر آنکه دلایل این چنین برخوردی های نادرست را بررسی کرده و بر اساس آن راه حل هایی ارائه دهد.

اولین مثال، شرح بی توجهی سازمان عفو بین الملل به اعدام محمد رضا پدram توسط رژیم اسلامی بود. علیرغم آنکه خبر اعدام قریب الوقوع پدram و ۱۵ نفر دیگری که از طرف سازمان دانشجویان و فارغ التحصیلان ایران به گروه مهر ایران اطلاع داده شده بود بلافاصله به سازمان عفو بین الملل اطلاع داده میشود عکس العملی صورت نمیگیرد. "گروه مهر" خانواده پدram در شیکاگو را در رابطه با سازمان عفو و دیدبان حقوق بشر قرار میدهد و نمایندگان آنها با همسر و دختران ایشان مصاحبه میکنند. از طرف کوشندگان دیگر حقوق بشر نیز این موضوع دنبال میشود اما نهایتاً سازمان عفو هیچگاه پدram را در لیست اقدام فوری خود (Urgent Action) قرار نمی دهد و از اینرو او را از اقدامات اعتراضی یک میلیون عضو خود محروم مینماید و پدram سرانجام اعدام میشود.

نکته ای که روی آن تاکید شد این بود که سازمان عفو در اقدام برای کسانیکه وضعیت آنها در رسانه ها و مطبوعات رژیم عنوان میشود به سرعت وارد عمل میشود و آنها را در لیست خود قرار میدهد و اینکه عملاً دفاع سازمان عفو محدود به کسانی شده که افراد سرشناسی هستند و یا وابستگیهایی به جناح آقای خاتمی دارند و نهایتاً اسمشان در مطبوعات مطرح میشود. اما در مورد زندانیان ناشناس مدرک و سند میخواهند، و نه تنها به گفته سازمانهای و افراد فعال خارج کشور اطمینان نمی کند حتی به اظهارات خانواده قربانیان نیز توجهی نمی نماید.

سئوالی که سازمان مهر ایران از سازمان عفو کرده است اینستکه: ۱۵ نفر دیگر از افراد گمنام نیز که لیستشان را در اختیار داریم در خطر اعدام هستند. چه باید بکنیم که از این زندانیان بی نام و نشان و نظایر آنان قبل از آنکه به جوخه های مرگ سپرده شوند، دفاع شود؟ دلایل چنین برخوردی به این نحو بیان شد که:

"چنین برخوردهایی ناشی از توهمات است که انتخابات چهار سال پیش در خارج کشور ایجاد کرد. سازمانهای حقوق بشر "نه" بزرگ مردم ما به رژیم اسلامی را که در رای به خاتمی متجلی شد درک نکردند و بدام آن افتادند. ماشین تبلیغاتی قدرتهای بزرگ و موسسات مالی نتایج این انتخابات را پیروزی دموکراسی در ایران دانست و اینکه آقای خاتمی با ۲۰ میلیون رای سمت و سوی حرکت مملکت را تغییر داده و بتدریج دموکراسی و آزادی را برقرار خواهد کرد. هرگز اشاره ای به نفس کاملاً غیر دموکراتیک انتخابات نشد و دنیا خودش را برای ایجاد رابطه غیر مشروط با رژیم اسلامی آماده نمود. در شرایطی که مردم ما، دانشجویان، نویسندگان، زنان، کارگران، و فعالان سیاسی، به زندان افتادند، شکنجه شدند و به قتل رسیدند، رژیم و طرفدارنش بساط ریا را در برون مرز گسترده و برای ما از جامعه مدنی، دیالوگ بین تمدنها و حق و حقوق زنان دم زدند. سازمان ملل، رژیم اسلامی را که سنبل تبعیضات جنسی و مذهبی است، بعنوان مهماندار کنفرانس مقدماتی "مورد منع شکنجه و تبعیضات نژادی و عدم مدارا" انتخاب کرد و خانم مری رابینسون کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل تن به

حجاب اجباری داد و بجای اعتراض در قبال تحقیر زنان ما، خود روسری بر سر کرد. در شرایط عدم فعالیت فعالان برون مرز در توضیح ماهیت انتخابات، و با در غلطیدن بسیاری از صاحبان امکان به موضع دفاع از خاتمی، سازمانهای حقوق بشر نیز دل به آقای خاتمی بستند و مطبوعات ایشان منابع موثق خبری آنان در دفاع از قربانیان رژیم شد.

در ادامه این بحث به جنبه دیگری از کوتاهی های سازمان عفو اشاره شد که ناشی از ملاحظات محافظه کارانه این سازمان به آن مواردی از نقض حقوق بشر است که بر اساس اعتقادات مذهبی و یا فرهنگی صورت میگیرد:

”سازمان عفو در مورد عمل سنگسار مبارزه گسترده ای را انجام نداده است و اگر چه انجام آن گزارش شده و محکوم هم شده اما هیچگاه کارزاری در مورد این عمل غیر انسانی بر پا نکرده است. به مسئله حجاب اجباری نیز توجه ای نشده است. در این رابطه برخوردی که سازمان عفو در مورد حجاب زنان عربستان سعودی انجام داد قابل توجه میباشد.

سازمان عفو بین الملل چندی قبل کارزار بسیار موثری را در رابطه با نقض حقوق بشر در عربستان آغاز کرد. در خلال این کار بود که عکس یکی از زنان عربستان سعودی که سر تا پا در حجاب اسلامی بود در پشت جلد نشریه این سازمان چاپ شد. سازمان عفو بعداً در کنفرانس ”علیه شکنجه“ که سال گذشته در لاس وگاس برگزار شد و گروه ما نیز در آن شرکت داشت از این عمل بشدت عذرخواهی کرد و از اینکه به آداب و رسوم و فرهنگ این افراد بی توجهی نشان داده است مکرراً اظهار تاسف کرد.

این پوزش در پاسخ به اعتراضی صورت گرفت که چند زن عرب کرده و مدعی شده بودند که آنها داوطلبانه خود را میپوشانند و این امر توهینی به مقدسات آنان بوده است. جالب آنکه این طلب پوزش در جلسه ای صورت گرفت که در برخورد به نسبت فرهنگی تشکیل شده بود. چنین برخوردی دلالت بر این دارد که عدم برخورد قاطعانه به عمل سنگسار و یا حجاب ریشه هائی در اعتقاد به نسبت فرهنگی داشته و اشاره به این دارد که اینها مسائل فرهنگی و مذهبی است که باید نسبت به آن حساس بود و با احترام رفتار کرد. این طرز تفکر در حقیقت میپذیرد که بد یا خوب، نسبت فرهنگی فطرتاً یک مسئله فرهنگ جمعیت است. عبارت دیگر ”خوب“ آن چیز است که در هر فرهنگی از نظر اجتماعی مورد قبول قرار میگیرد. این تفکر در واقع بیان کننده این تئوریت است که اصول اخلاقی ما عمدتاً ناشی از قرارداد های اجتماعیست و توسط آن دیکته میشود. نسبت فرهنگی مبانی انسانی و اخلاقی را منتج از فرهنگ میداند و از انجائیکه فرهنگ ها متفاوتند، مبانی جهان شمول را رد میکند.

”از سوی دیگر پوزش سازمان عفو با استناد به داوطلبانه بودن رعایت حجاب این نکته را نادیده میگیرد که تن دادن اجباری به فشار و اختناق طی سالهای طولانی و پذیرش ناگزیر ظلم، خود از بدترین انواع نقض حقوق بشرست. در همین رابطه باید توجه کرد که عمل غیر انسانی سنگسار نیز توسط پاره ای از افراد پذیرفته شده و آنها داوطلبانه در امر پرتاب سنگ شرکت میکنند. آیا این مسئله سنگسار را از نظر اخلاقی موجه میسازد؟“

ممکن است گفته شود که محدود بودن امکانات این سازمان اجازه نمی دهد که در همه موارد وارد عمل شود. بنظر نمی رسد که مسئله این باشد و حد اقل آنکه اگر اولویت لازم به آن داده شود اینچنین نباید باشد. بنظر میرسد که مانع اصلی، محدودیتهای اهداف و وظایف این سازمان و برداشت های آن از فرهنگ و مذهب است. البته اهداف سازمان عفو از بدو تاسیسش در سال ۱۹۶۱ همواره در حال تکامل بوده است و سازمانی که از دفاع از زندانیان عقیدتی شروع نمود امروز به طیف وسیعی از مسائل مربوط به نقض حقوق بشر، از شکنجه گرفته تا مجازات اعدام، سر به نیست شدن افراد و نقض حقوق انسان در موارد جنگی برخورد مینماید. تحت قوانین موجود، سازمان عفو به ارتقای مسائل اقتصادی، اجتماعی، و حقوق فرهنگی میپردازد ولی با نقض این حقوق توسط رژیم های ستمگر مخالفت نمی کند. از اینروست که نمیتوان گفت که سازمان عفو در تلاش حفظ کلیه حقوق انسانی میباشد. خوشبختانه این امر مورد تایید خود سازمان نیز میباشد و در کنفرانس لاس وگاس نیز مورد بحث قرار گرفت.

”پاره ای از گروه های حقوق بشر چنین استدلال میکنند که آنها سیاسی نیستند و نمیتوانند علیه رژیم های استبدادی موضع بگیرند. به گمان من در این شیوه استدلال تناقضی موجود است. رژیم اسلامی، بطور سیستماتیک حقوق بشر را نقض میکند. افراد را به جرم متفاوت بودن و دگر اندیشی دستگیر میکند، شکنجه میدهد و اعدام و سنگسار میکند. تمامی این اعمال نیز قانونیست و نص صریح قانون اساسی و دیگر قوانین رژیم است. وقتی سازمانی از آنها میخواهد که شکنجه و اعدام نکند و آنها را افشا مینماید، این عمل مخالفت با قانون اساسی رژیم است و هیچ چیزی سیاسی تر از این نیست.“

”زندانیان عقیدتی ایران بیش از هر زمان به کمک جامعه جهانی و بخصوص گروه های حقوق بشر نیازمندند. برای آنکه به این سازمانها کمک کنیم که وظایف خود را به نحو احسن انجام دهند باید در فعالیتهای آنان شرکت کنیم، زندانیان گمنام را شناسائی کنیم و عملاً به آنها نشان دهیم که ما باید از رژیم ظلم و جور و هر قسمت و بخش آن بیشتر مورد اطمینان باشیم. برای آنکه توهمات آنان فرو ریزد، باید خصلت واقعی بازپهائی را که رژیم تحت عنوان انتخابات راه می اندازد توضیح دهیم و با کوشش و استمرار سعی کنیم که این مطالب را بگوش مردم دنیا و سازمانهای حقوق بشر برسانیم. این امری بود که در مورد انتخابات چهار سال قبل انجام نشد، به یکی از بزرگترین ناقضان حقوق بشر مشروعیت بخشید، و نتایج فاجعه آمیزی را در برون مرز بیار آورد تا حدی که بین ما و سخنگویان رژیم ظلم و جور، این ستمگران بودند که مورد اطمینان قرار گرفتند و به آمار و خبرهاشان استناد شد. مشروعیت دادن به رژیم باعث گشت که کار ما در برجسته کردن موارد نقض حقوق بشر در ایران بسیار دشوارتر گردد. آن بخش از خود ما نیز که لیاقت خود و ملتمان را بیش از آقای خاتمی نمی بینیم، بی توجه به اثرات مخرب دخالت دین در دولت، به توهمات دامن زدیم و بر دشواری کار افزودیم.

این دشواریها احتمالاً بعد از انتخابات اخیر دو چندان خواهد شد. آنانکه شان خود را و ملت خود را چیزی فرای حاکمیت موجود و شرایط ننگین موجود میدانند باید همت کنند تا علیرغم همه این موانع، بتوانند با تکیه بر خرد جمعی و استفاده از امکانات خود در برون مرز، مانع مشروعیت دادن به سیستم ظلم اسلامی شوند.“